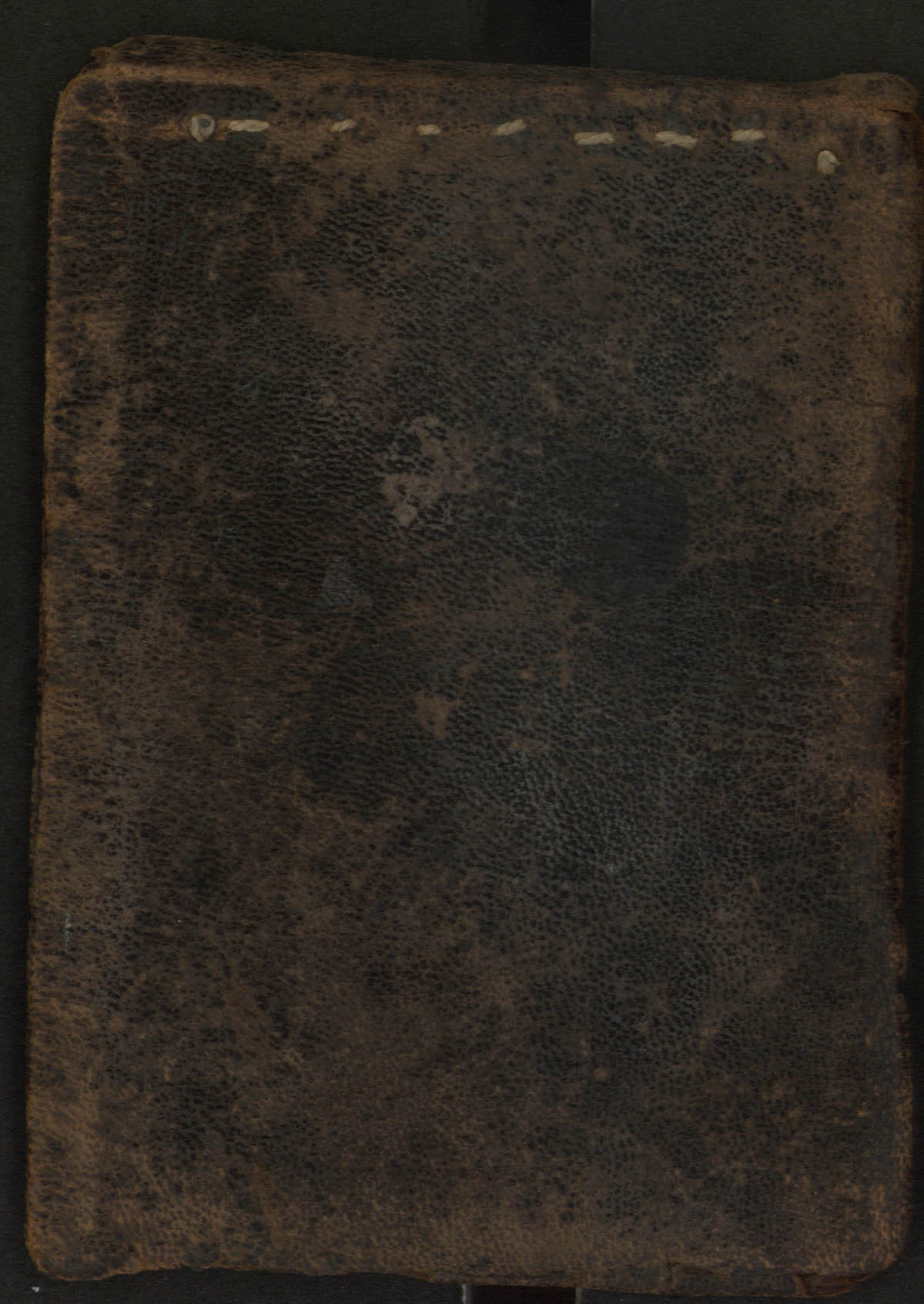
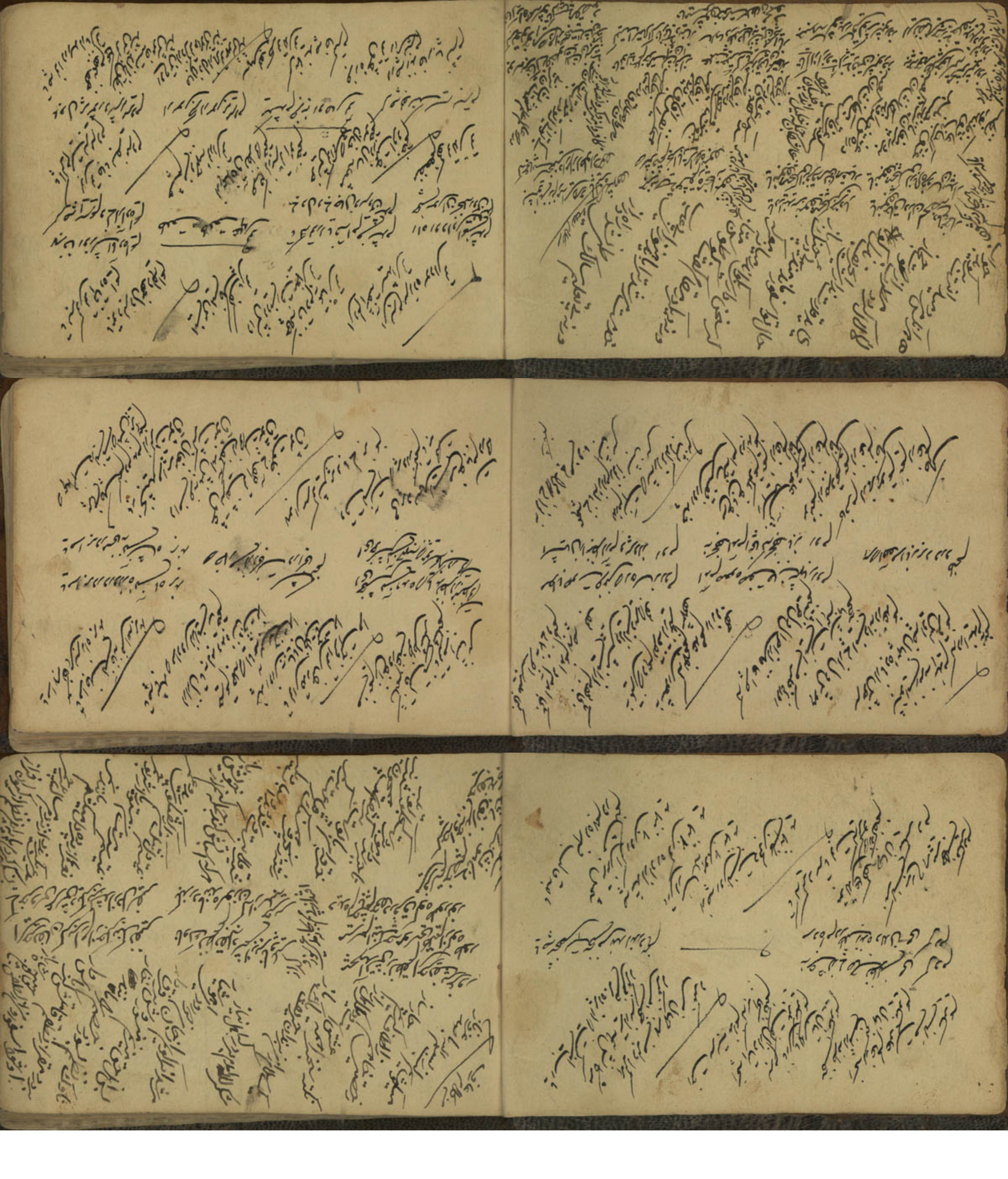
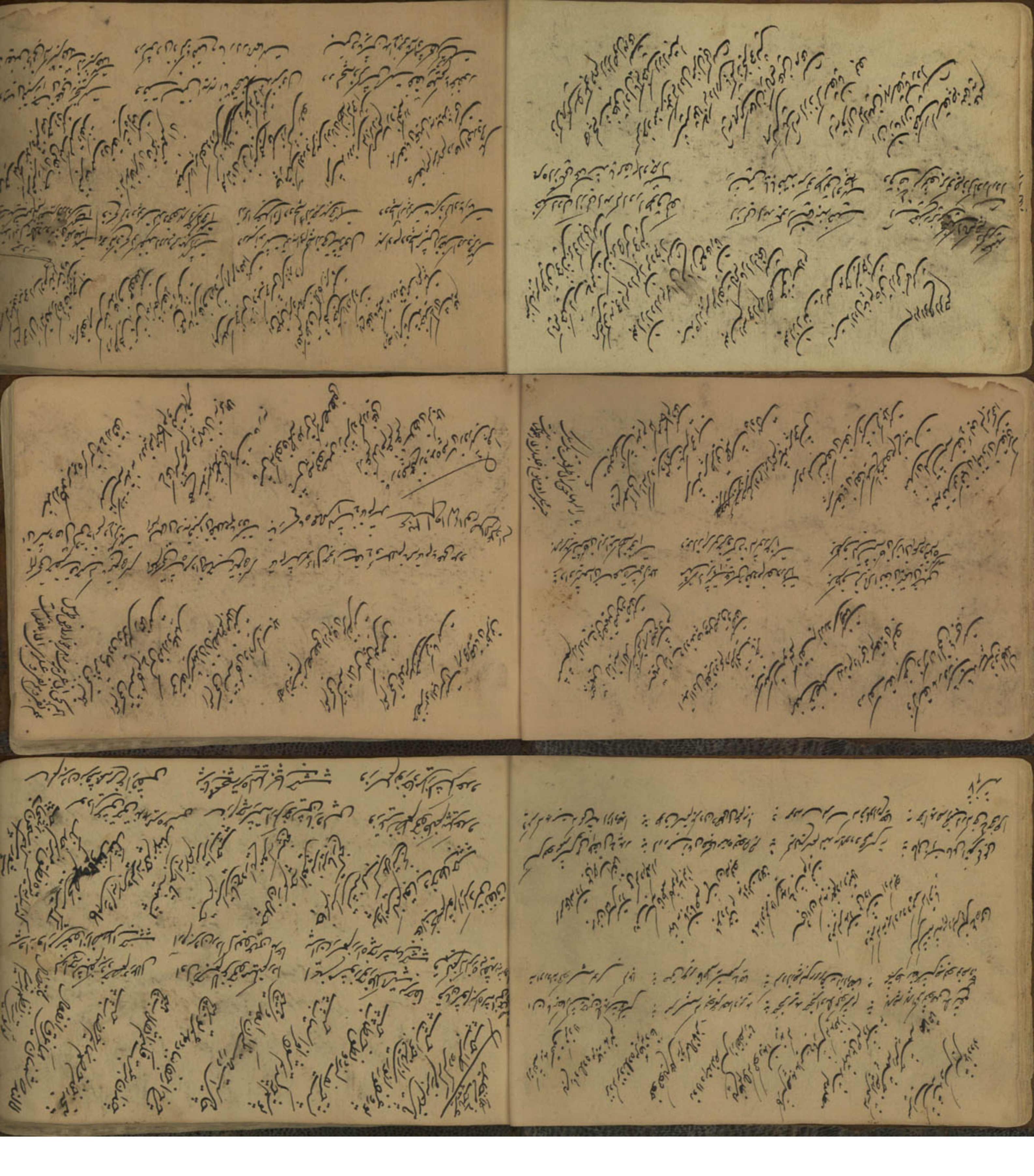



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب جُنگ سخنوری
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۶۹۱۱
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۰۸۰۷۴







[illegible]

ابتدا اول برادر و [illegible] حمد خداست
یک سک [illegible] تفسیر [illegible] ات

چونکه ذبح گوسفند آورد جبرئیل از بهشت
ذبح کرد و پوست کند و خود بهر آن کس که خواست

در سر آمد نشست توبه آدم که از حق شد قبول
زانکه عید آدم دولچه از جبرئیل خواست

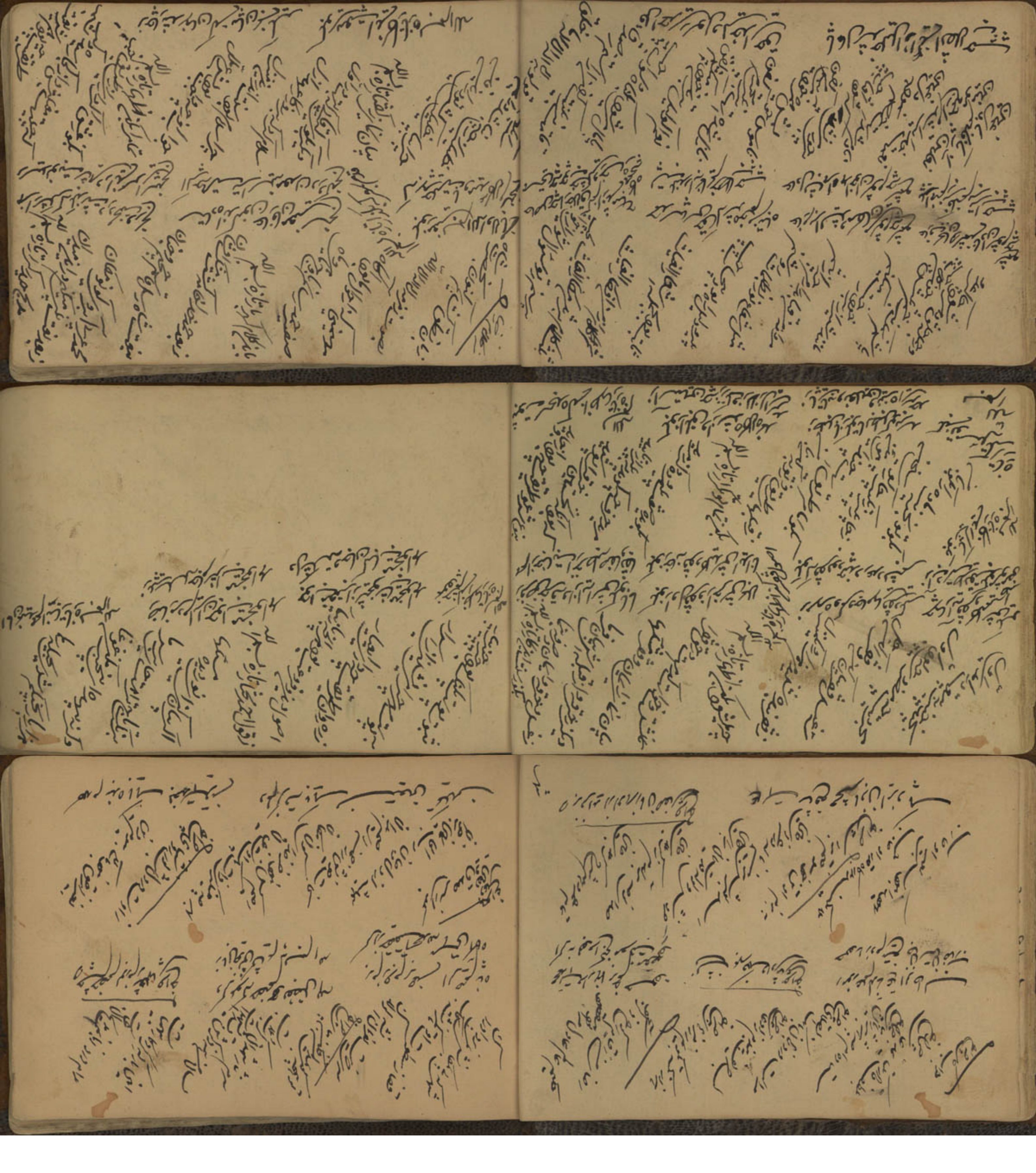
بهر آدم دولچه پس از حق آورد جبرئیل
دولچه از پوست ماهی ذکر او یا ربناست

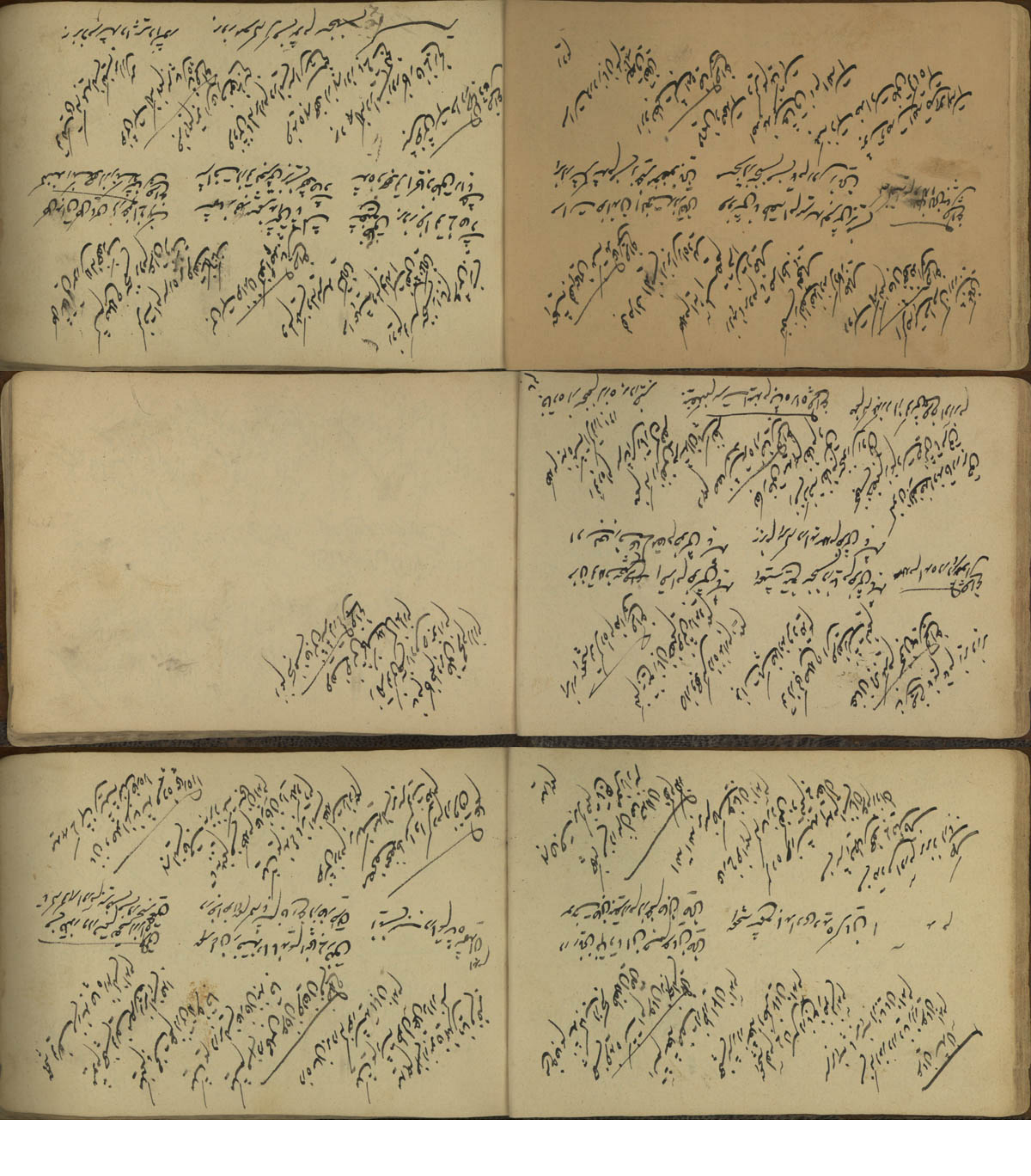
[illegible]

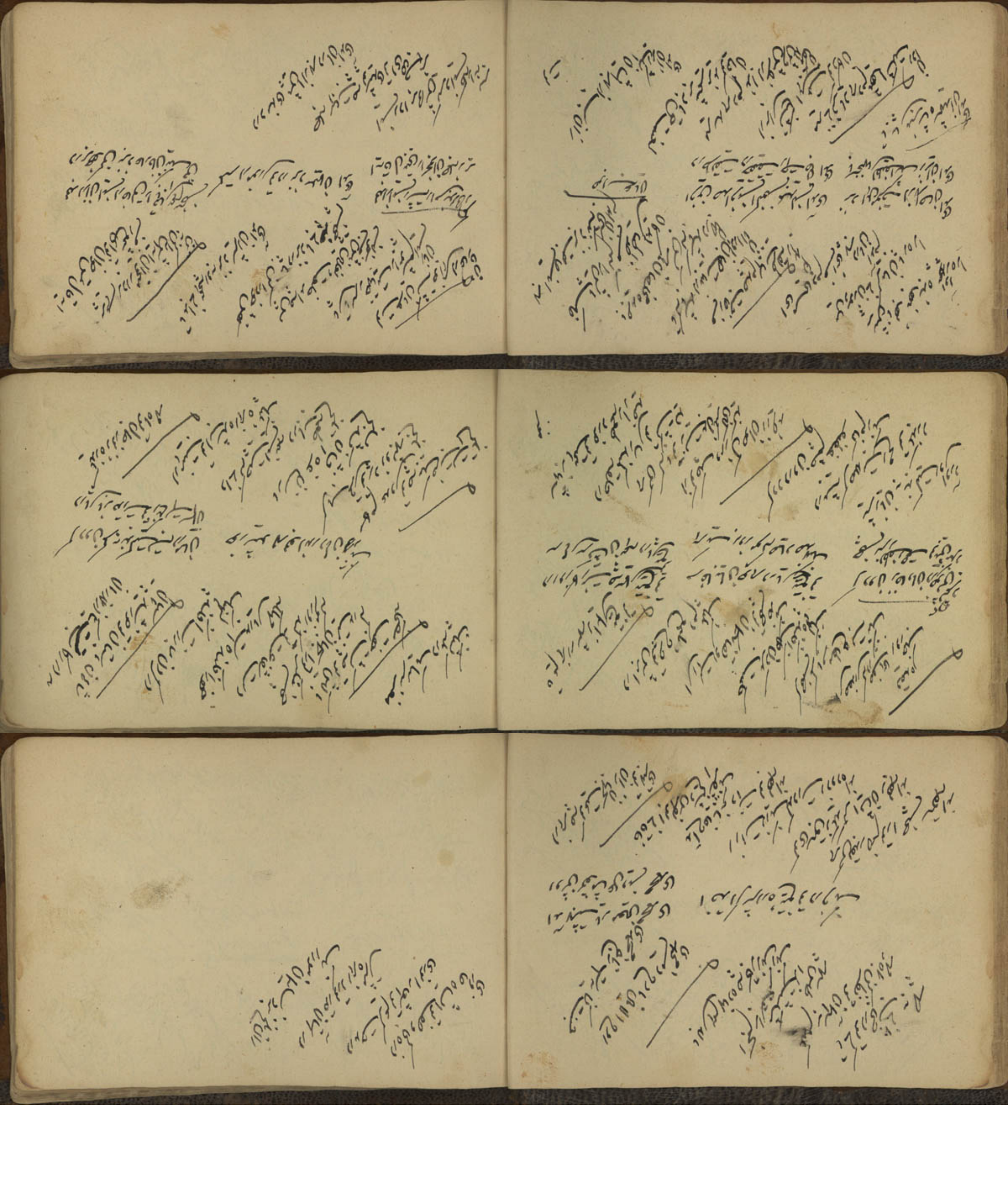
در میان قنبر را جان علی زنجیر بست
تا یقین دانی که شیر قدرت از شیر خداست

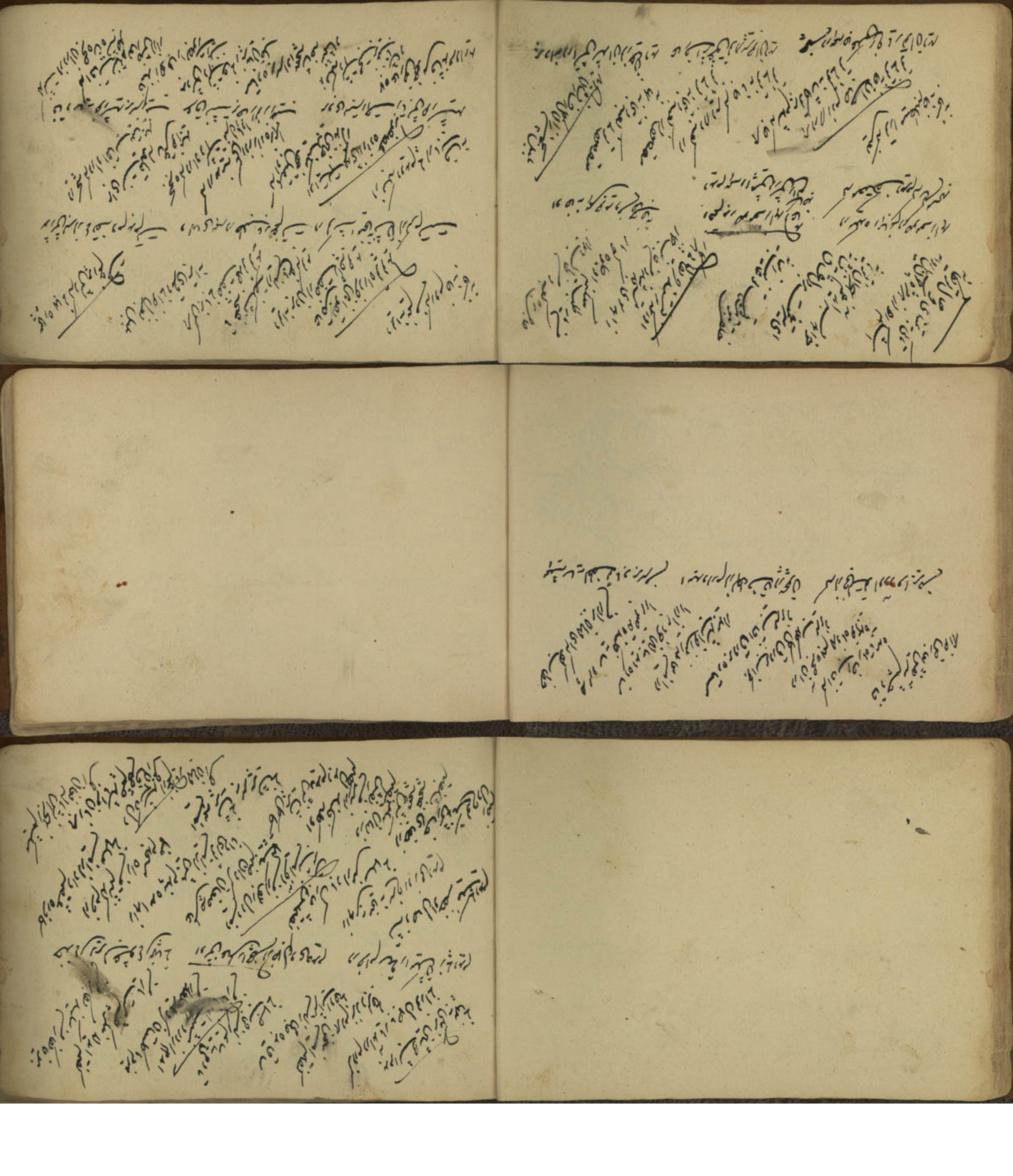
وقت بستن آیه انا فتحنا شد نزول
در گشودن ذکر یا فتاح ما را رهنماست

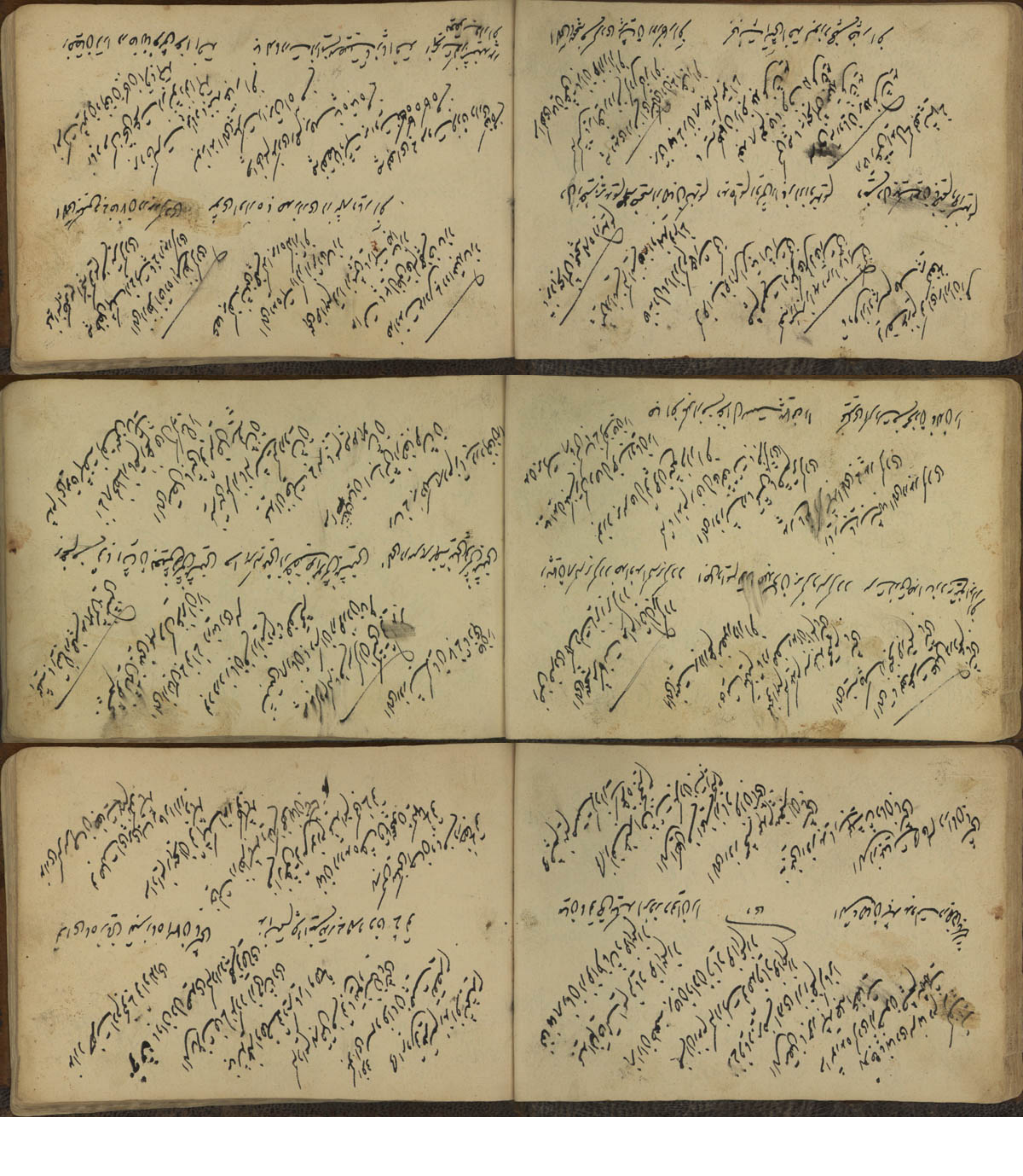
دولچه ذکر پس هست غفار حکیم یا غفور
بستن و بازش بدان چون که او مشکل گشاست

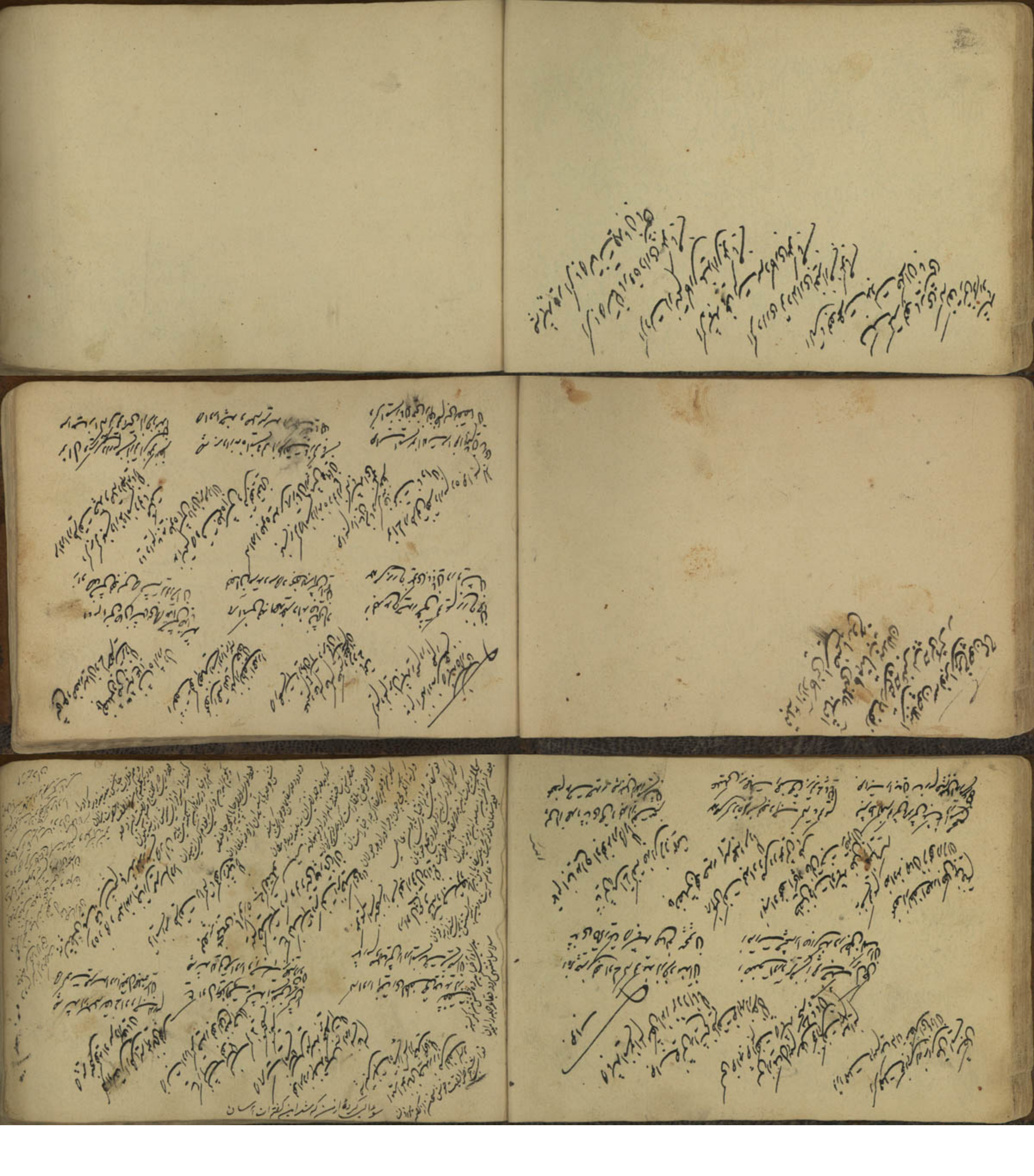


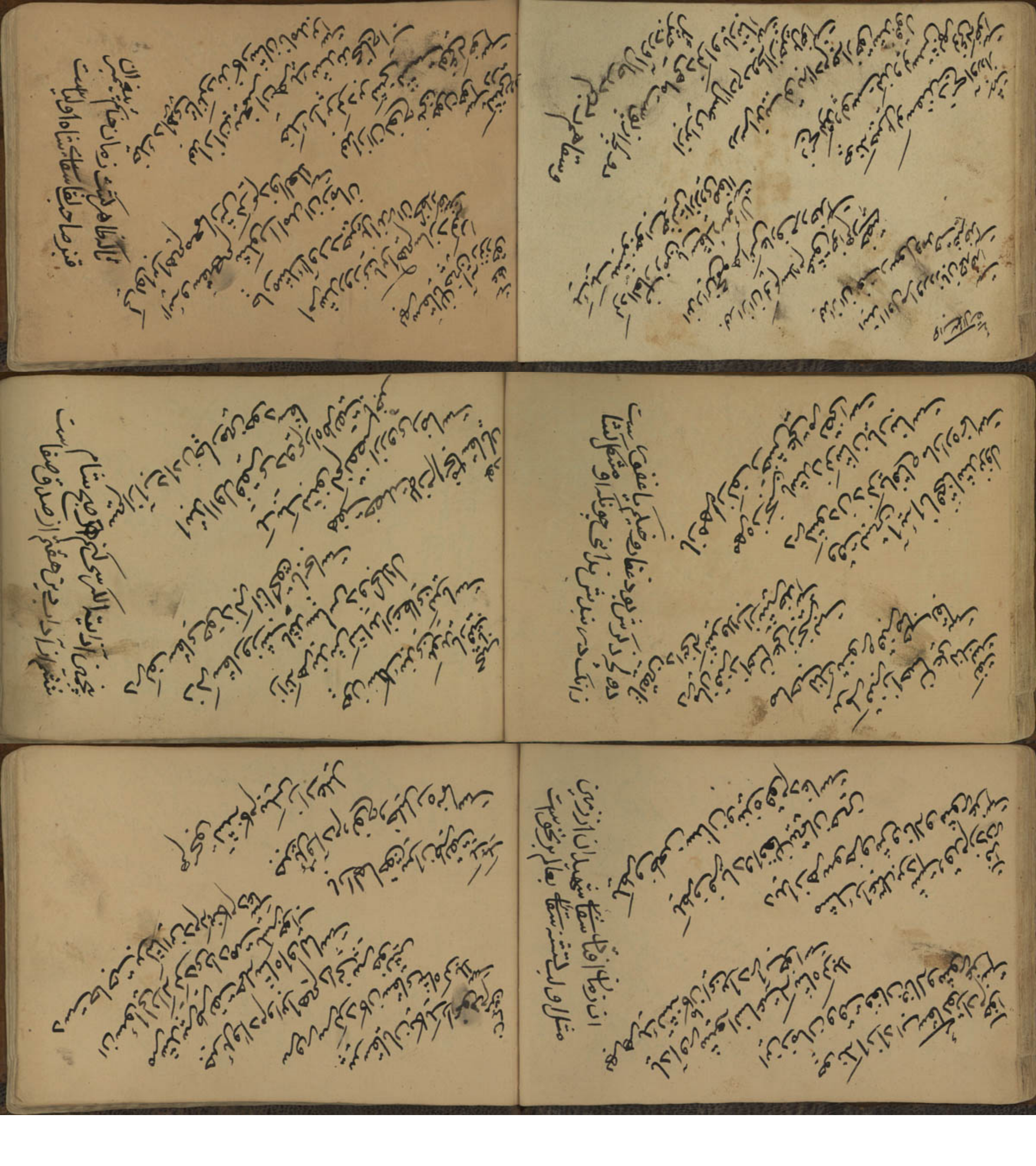
















جواب
معنی هر کدام بیان کن جدا جدا
تا بنده حربقت کنم از علی مدعا
اول سخن بنام خداوند کبریا
کریم به نعت سید رسل ختم انبیا
چون عزای حسین شود برپا
گوییا این جریده را بردار
سئوال
اول از حمد خالق غفار
بعد از آن نعت سید ابرار
بعد نعت نبی ز حق علی



کسوت جه بدست همه رندان بسیار
ساز نقاره اسباب طرب بربط طار
لنک آئینه هم نشتر تیغ هم النک
همه باشند مقلد جهت عیش بکار
باز معراض بود کسوت سلمانی رنک

گر نه سلسله بنگر همه جا جداد است
همه الثوت حناس برش حانت
اہل الفاتی جبه و سلسله ابن سلسله‌ها
جمع خبار طبردار بود جلوه نما
شال شلاخ جبه کسوت اہل بهتر
میل سنک تنکه کسوت اہل
اہل تابوت بود سلسله

این سلسله باشند بدان از سر زنجیر
قفل است کلید است بدان از هر تزویر
مرکش بیم او ار فام بردکار
تا شوم داخل درین درگه بلطف
اول این زنجیر باشند راه بند ابد خصم
تا نکرد و داخل این سلسله نامرد خصم

بر تو برا اہل مجلس خاص عام
باز دیگر بردن عالی مقام
بر تو باد ای طوطی شکر شکن
بعد بسم الله علیک عشق من

عشق بی حد از خونین
بر گل رخسار ابکوی سبز
باز از روز ازل است سر بسر
تا که باشد از شیر
بر تو باد ای طوطی شکر شکن

ازد این بود خرقه صدق صفا
حلیه باشند معطر صد صفات
آمد چمن مهر خاور صفات
با گل رخسار نور صبح صفات
بر تو باد ای طوطی شکر شکن

اگر بنا بهر چه باشند شوخ
تازیانه کشکول باشد هم و طبع ارق
کرده سلامت از این خرقه درویش نزول
که بمعو است بدین سلسله بجار قبول
باز کوهم تو جباز هم از جداد ادان
هم رخسار جان حجم رخاحان

من نمایم رخصت از یاران طلب
تا کشید انبسم الغفار لب
از ره افتادگی و زادب
هم ز راه دانش اہل الطلب
بر تو باد ای عارف شیرین سخن
بعد بسم الله سلام عشق من

من بتوفیق خدا از شش جها
این بلا متر این شهر دیار
میدهم چو ش الطف کردگار
کر تو دار روح تو بابا یار
بعد بسم الله سلام عشق من

هیکت پر الب باد اجلی
بهت مولای درویشان نبی
تا ناہ از ولات اجلی
در میان معرکه و صف نبی
بعد بسم الله سلام عشق من

هست درویشی بی آدم نبی
هم نبی باشند راهبر علی
هم حسن کوم حسین باشد علی
عابد باقر بعد با جعفر وصی
بر تو باد ای عارف شیرین سخن
بعد بسم الله سلام عشق من

موسی کاظم رضا
هم علی چون
هم نقی هم نقی
مهدی صاحب زمان
بعد گو باد ای
بعد بسم الله سلام عشق من



از روز ازل سلام جبریل بکرد   آواز علیک از عشا شد پیدا

